

دریچه

گردش به راست اسپانیا

ترجمه: مریم امیری

■ اگر داری به نقشه اروپا نشانه رویم، مهارت زیادی می‌خواهد که به کشوری اصابت کند که یک دولت چپ‌گرا آن را اداره می‌کند. به ویژه از هفته گذشته که سوسیالیست‌های اسپانیا قدرت را به حریف واگذار کردند. گرچه چرخش به راست در کشورهای صاحب‌نامی مانند فرانسه و آلمان از سال‌های گذشته آغاز شده است، اما طی سه سال گذشته این روند همزمان با بحران اقتصادی تکمیل شد. اما به‌راستی چرا؟ کارشناس سیاسی می‌گویند هنگامی که قافیه ننگ می‌شود –اسپانیایی‌ها می‌گویند وقتی گاو لاغر می‌شود– رای‌دهندگان خشمگین به محافظه‌کاران متمایل می‌شوند.

کارزینسکی، کارشناس مرکز مطالعات سیاسی اروپا می‌گوید: در زمان بحران، طبیعتاً راست‌ میانه به چپ میانه ترجیح داده می‌شود. اگر به ترجیحات جامعه در رأی‌گیری نگاه کنیم، می‌بینیم همیشه در بحران به محافظه‌کاران و در زمان‌های رونق اقتصادی به چپ میانه تمایل پیدا می‌شود.

با این حال در نقشه اتحادیه اروپا هنوز لکه‌های پراکنده‌ای از چپ لیبرال وجود دارد؛ دولت سوسیال-دموکرات جدید دانمارک با چپ میانه در نروژ و ائتلاف تحت رهبری سوسیال دموکرات‌ها در اتریش. همچنین به احتمال زیاد سوسیالیست‌ها رپیس‌جمهور محافظه‌کار فرانسه را در انتخابات سال آینده شکست خواهند داد.

اما کارزینسکی می‌گوید شکی نیست که چپ اروپا با وجود سرخوردگی مردم از سرمایه‌داری بی‌پهار –که در جنبش اشغال وال‌استریت و تظاهرات مردم اروپا علیه سیاست‌های ریاضت اقتصادی خود را نشان می‌دهد– با نبردی دشوار برای مقبول کردن ضرورت‌های خود از طریق شعارهای جذاب و یافتن راه قانونی کردن آنها، دست به گریبان است.

در اسپانیا مردم سوسیالیست‌ها را مسوول نرخ بیکاری ۲۱/۵ درصدی می‌دانستند و حزب راست میانه مردم را جایگزین آنها کردند. اوایل امسال، پرتغالی‌ها سوسیالیست‌ها را کنار گذاشتند، مشابه این اتفاق سال گذشته در بریتانیا رخ داد. در هر دو مورد احزاب محافظه‌کار بر سر کار آمدند. در ماه پیش نیز نخست‌وزیر سوسیالیست یونان جایش را به یک تکنوکرات داد.

البته به گفته کارزینسکی هیچ قانون سخت و سختی وجود ندارد که دولت‌ها در زمان بحران اقتصادی از قدرت کنار گذاشته شوند. او دولت‌های بحران‌زدای را مثال می‌زند که دوباره انتخاب شده‌اند: لئونی، استونی- عضو منطقه یورو- و لهستان. و اضافه می‌کند تا زمانی که مردم احساس کنند دولت هنوز صلاحیت دارد و در قبال بحران روبرگرد مناسبی اتخاذ کرده است، شانس انتخاب مجدد آن وجود دارد.

سوسیالیست‌های اسپانیا با توجه به عملکرد ضعیفی که نخست‌وزیر خوزه لوپیس رودریگز زاپاترو در مبارزه با بیکاری و احیای اقتصاد در دو سال گذشته از خود نشان داد، در این فهرست قرار ندارند. تنبیه او این بود که حزب محافظه‌کار مردم ۱۸۶ کرسی از ۳۵۰ کرسی پارلمان را -در مقابل ۱۱۰ کرسی سوسیالیست‌ها- تصاحب کند؛ بدترین نتیجه‌ای که سوسیالیست‌ها تاکنون کسب کرده است. کارزینسکی می‌گوید: «اسپانیا نسبت به همه سوسیالیست‌های اروپا شکست سنگین‌تری داشت؛ این نتیجه واقعا فاجعه بود».

زاپاترو در اولین اظهار نظر عمومی گفت ریاضت‌های اقتصادی که دولت او وضع کرد –و هوادارانش را به‌سرعت پراکنده کرد– نشان داد که مصلحت ملی برای او از مصلحت حزبی مهم‌تر است.

سپاهم اسپانیا و بازار اوراق قرضه نسبت به پیروزی حزب مردم واکنش نشان نداد، زیرا این پیروزی کاملاً قابل انتظار بود. از آن گذشته ماریانو راخوی، رهبر حزب مردم، هنوز به‌نام خود را برای مقابله با بیکاری، کسری بودجه و کاهش رشد اقتصادی، تشریح نکرده است. کارشناسان بسیاری معتقدند اروپا به نیه به دلایل ایدئولوژیکی بلکه برای بافتن رافتی تازه برای نجات از باتلاق بحران به راست متمایل شده است.

آنتونیو باروسو، تحلیل‌گر سیاسی مسایل اروپا می‌گوید: «چرخش اروپا به راست عمدتاً به دلیل بحران اقتصادی است. مردم از داده‌های نادرست اقتصادی و بیکاری بالا عاصی شده‌اند و از این‌رو به ال‌ترناتیوهای دیگر تمایل نشان می‌دهند».

او اشاره می‌کند که در همین ماه برلوسکینی، نخست‌وزیر محافظه‌کار ایتالیا –که کشور ملو از بدعی او در مرکز بحران یورو قرار دارد– مجبور به استعفا شد، ولی جایش را به یک تکنوکرات داد نه یک سیاستمدار چپ‌گرا. در عین حال یادآوری می‌کند انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه در پیش است و سارکوزی محبوبیت خود را به‌شدت از دست داده است. محافظه‌کار چابک فرانسوی اکنون در نظرسنجی‌ها از فرانسوا اولنبد سوسیالیست بسیار غفیرتر است.

سوسیالیست‌ها در ابعاد محلی و منطقه‌ای در فرانسه قدرتمند هستند؛ از ۲۶ حکومت منطقه‌ای فرانسه ۲۴تای آن از جمله شهرهای بزرگی چون پاریس، لیون و لیل، در دست سوسیالیست‌هاست. در سال ۲۰۰۵، آنگلار مرکز محافظه‌کار، گرهارد شرودر را از چپ میانه شکست داد. شرودر بازار نیروی کار را اصلاح و خدمات رفاهی را کاهش داد. به این ترتیب خشم حامیان چپ‌گرای خود را برانگیخت. استفان اویس از حزب سوسیال دموکرات کاتلدا می‌گوید: «ساید ملی مردم به راست در زمان مشقت مالی طبیعی باشد؛ این اتفاق در بحران دهه ۱۹۳۰ نیز افتاده بود. تعجب‌آور نیست که شاهد ظهور این همه دولت راست‌گرا از نتیجه انتخابات هستیم.»

منبع: هافینگتن پست

حزب محافظه‌کار «مردم» اسپانیا بعد از سال‌ها تدوین قوانین ضد زندگی و ضد خانواده توسط حزب سوسیال و در بحبوحه بحران اقتصادی که منجر به بیکار شدن بیش از ۲۰ درصد از جمعیت این کشور شده است، پیروز انتخابات معرفی شد.

حزب مردم موفق شد تا تمام آرای ۴۳ استان از ۵۰ استان این کشور را به دست آورد و به اکثریت مطلق ۱۸۶ کرسی- ۱۰ کرسی بیشتر از حد لازم- مجلس نمایندگان دست یابد. حزب حاکم سابق اسپانیا یعنی حزب سوسیالیست کارگر، تنها به ۱۱۰ کرسی از این مجلس بسنده کرد و مابقی کرسی‌ها بین احزاب کوچک‌تر محلی و قومی تقسیم شدند.

در اختیار داشتن اکثریت مطلق کرسی‌های مجلس، حزب مردم را مجاز به تدوین و تصویب قوانین بدون رضایت احزاب دیگر خواهد کرد و ایمن می‌تواند، نوید روز‌هایی متفاوت را در دیار مائادورها بدهد.

انتظار می‌رود حزب مردم به رهبری ماریانو راخوی اصلاحاتی را برای غلبه بر مشکلات اقتصادی عمیق اسپانیا نهاده‌ینه کند. با این حال، هنوز سرنوشت موضوعاتی چون حق حیات و خانواده در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. گرچه حزب مردم به‌عنوان حزب راست اسپانیا فعالیت و معمولاً از نزدیک شدن به مباحث سیاسی لیبرال اجتناب می‌کند، اما بعید به نظر می‌رسد راخوی از قدرت خود برای کاهش تاثیر سیاست‌های موافق سقط جنین و همجنس‌گرایی مصوب سوسیالیست‌ها استفاده کند.

در دوران حاکمیت نخست‌وزیر سابق، خوزه لوپیز رودریگز زاپاترو و حزب کارگر، قانون سقط جنین به این شکل اصلاح شد که در صورت در خواست فرد در طول ۱۴ هفته نخست بارداری و نیز به نوجوان خواهان سقط جنین بدون اجازه والدین‌شان، اجازه سقط داده شود.

این حزب همچنین ازدواج همجنس‌ها را مجاز شمرد و با تصویب قوانین تسهیل‌کننده طلاق، تنبیه به ریشه بنیان خانواده در این کشور زد، این حزب با القای برنامه‌ای موسوم به «آموزش شهروندی» در مدارس دولتی و خصوصی به تبلیغ جهان‌بینی سوسیالیستی ضد‌خانواده کمر بست. گرچه راخوی به صراحت ان‌جزار خود را از طرح‌های اجتماعی چپ‌های اسپانیایی بیان کرده، اما

اظهارنظری راجع به لغو اصلاحات حزب کارگر ارایه نکرده است. او در مصاحبه‌های خود با مطبوعات اسپانیایی، به وضوح از قوانین ازدواج همجنس گرایان و سقط جنین به‌عنوان قوانینی ضد حق حیات و زندگی برای انسان‌ها نام برده است. با این وجود، وی از جنبش طرفدار زندگی ملت بدون التزام به فسخ چنین قوانینی اظهار ناامیدی کرده است.

تاثیرگذارترین نهاد حامی زندگی و خانواده اسپانیا موسوم به «شنوا باش» در واکنش به نتایج انتخابات،

جهان



کس Reuters

محافظه کاران اخلاق را بازمی گردانند؟

متیو کافمن / مترجم سیدسعید کلاتی

می‌گویند: «ما شکست افرادی را که به دنبال تخریب ارزش‌های ما بوده‌اند و کشور را با مدیریت مسموم و ناکارآمد خود به ورطه نابودی کشانده‌اند، جشن می‌گیریم»- این‌گروه از راخوی خواسته است تا سیاست‌های لازم برای برگرداندن حس اعتماد مردم به نهادهای دموکراتیک را اتخاذ کند.

در همین راستا کاردینال آنتونیو ماریا والرا اسقف اعظم

مادرید ریشه تمام بحران‌های اقتصادی موجود در اسپانیا را در کاهش اخلاقیات و فراموش کردن خدا در این کشور

راشد الغنوشی رهبر جنبش نهضت تونس:

پُستی در انقلاب موسیاه‌ها نمی‌پذیرم

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی



تونس پیشستاز بهار عربی به شمار می‌آید. در این کشور بود که بهار عربی در دسامبر ۲۰۱۰ و با اعتراض‌ها علیه حکومت خودکامه بن‌علی آغاز شد و در همین کشور بود که در ۲۳ اکتبر امسال اولین انتخابات دموکراتیک در جهان عرب برگزار و حزب اسلامگرای نهضت برنده اصلی انتخابات شد. غنوشی از زمان پیروزی حزب میانه‌رو و اسلامگرای «نهضت» در انتخابات تونس همواره پیام می‌دهد که هیچ‌کس نباید از این حزب هراسی داشته باشد. از نظر او حزب نهضت قابل‌مقایسه با حزب دموکرات مسیحی آلمان و حزب عدالت و توسعه ترکیه است. غنوشی ۷۰ساله امروز، زمانی به دستور «حبیب بورقیبه» اولین رئیس‌جمهور تونس به زندان افتاد و سپس به کار اجباری و حتی به اعدام محکوم شد. اگرچه که او در آغاز دهه ۸۰ بر طبل خشونت می‌دمید اما امروزه با دوری جستن از خشونت‌طلبی، ترکیه را الگوی خود می‌داند. البته هنوز هم برخی مخالفان غنوشی مواضع جدید وی را باور ندارند و یادآوری می‌کنند که وی زمانی از حملات انتحاری دفاع می‌کرده است. این مصاحبه توسط گروهی از روزنامه‌نگاران آلمانی در طبقه پنجم ساختمان مرکزی حزب نهضت انجام شده است. غنوشی که هوادارانش از روی احترام با لقب «شیخ» از او یاد می‌کنند با وجود ۲۰سال اقامت اجباری در لندن ترجیح می‌دهد که سخنانش توسط یک مترجم ترجمه شود.

تونس‌ها در مورد سلفی‌ها زیاد صحبت می‌کنند. نظر شما در مورد این گروه بنیادگرا چیست؟
سلفی‌ها در غیاب حزب نهضت که نماینده اسلام میانه‌رو است، به وجود آمدند. اکنون ما در تونس می‌توانیم به موقعیتی بازگردیم که من از آن به عنوان وضعیت عادی یاد می‌کنم یعنی تونس و حزب نهضت بدون رادیکالیسم.

اگر نهضت بخشی از دولت جدید باشد به سلفی‌ها اجازه تأسیس حزب خواهد داد؟
تا زمانی که کس دست به خشونت و سرکوب نزده باشد هیچ دلیلی برای محرومیت او وجود ندارد.

حزب نهضت با سازماندهی بسیار حرفه‌ای‌اش در انتخابات نگاه شمار زیادی از ناظران را به خود جلب کرد. منابع مالی حزب شما چیست؟ حق عضویت اعضا، کمک‌های مالی خارجی یا غیره؟
ما در همین محدوده‌ای که در آن به سر می‌بریم تأمین مالی می‌شویم. دیگر احزاب تونس پول بسیار زیادی در اختیار داشتند اما در این انتخابات پیروز نشدند. اعضای حزب پنج درصد از درآمدشان را به حزب هدیه دادند و هیچ مشکلی در این مورد نداشتند. در میان ما بازرگانان و وکلای دعای زیادی حضور دارند و به حزب کمک می‌کنند.

کار داوطلبانه چه نقشی در این حزب دارد؟
این خیلی مهم است زیرا ما خود را یک حزب خیریه می‌دانیم. تقریباً هیچ‌کس در ازای کار حزبی حقوق دریافت نمی‌کند. علاوه

به‌ویژه در قتل عام جنین‌های به دنیایامده و توهین به کانون خانواده دانسته که همگی توسط اقدامات اخیر حزب سوسیال تسهیل شده‌اند.

ورای اشتباهاتی که نخست‌وزیر اسپانیا زاپاترو مرتکب شد، انتخابات مجلس این کشور تحت‌تاثیر جنبش «خشمی» قرار گرفت که در ماه می با اشغال میداین بزرگ شهرهای مختلف اسپانیا در اعتراض به مدل اقتصادی ناعادلانه ناشی از تفکر سوسیالیستی که در حل نگرانی‌های اقتصادی شکست خورده بود، شکل گرفته بود. پیش از انتخابات، نتیجه سرکوب این جنبش –که به جنبش ۱۵ می نیز شهره شده بود– توسط نیروهای پلیس، بروز اعتراضات گسترده‌ای در میدان معروف پورتا دل سول مادرید بود.

جنبه مهم دیگر ایسن انتخابات عملکرد قدرتمند ناسیونالیست‌های استان‌های کاتالونیا و باسک در شمال اسپانیا بود، چراغ خصری که خیر از جدی‌تر شدن اعتراضات استقلال‌طلبانه در این دو ایالت می‌داد.

هنوز مشخص نیست که راخوی که کرسی نخست‌وزیری را در ۲۰ دسامبر اشغال خواهد کرد، چگونه می‌خواهد به مصاف بحران اقتصادی شدیدی که منجر به ایجاد نرخ بیکاری ۲۰درصدی- بالاترین نرخ بیکاری در اتحادیه اروپا- شده است، برود.

از طرف دیگر، صاحب‌نظران بر این باورند که اگر دولت او تن به اجرای اقدامات شدید ریاضت اقتصادی مورد نظر بانک‌ها، جامعه اقتصادی و نهادهای مالی بین‌المللی می‌خواهد به مصاف بحران اقتصادی شدیدی که منجر به

ایجاد نرخ بیکاری ۲۰درصدی- بالاترین نرخ بیکاری در اتحادیه اروپا- شده است، برود.
از طرف دیگر، صاحب‌نظران بر این باورند که اگر دولت او تن به اجرای اقدامات شدید ریاضت اقتصادی مورد نظر بانک‌ها، جامعه اقتصادی و نهادهای مالی بین‌المللی بزند، نرخ بیکاری از این هم که هست نیز بالاتر می‌رود و ناآرامی‌های اجتماعی تشدید خواهند شد.

از دولت جدید محافظه‌کار انتظار می‌رود که هزینه‌ها

را کاهش دهد و شغل تولید کند. گفته می‌شود که به دلیل اعتماد احیاشده در اسپانیای بعد از انتخابات، بازارها آماده ایجاد شغل باشند. اما پرسش بزرگ این است که افزایش اشتغال و فرصت‌های شغلی طرف مدت یک سال در این کشور محقق خواهند شد یا ۱۰سال؟ و به فرض

که شغلی هم در این کشور ایجاد شود، آیا حقوقی که

بابت آن پرداخت خواهد شد، مایه خرسندی مردمان این

کشور خواهد بود؟

منبع: لایف‌نیوز

■ نام بن علی از کتاب‌های درسی حذف شده است. آیا این شروع خوبی برای کنل آلمن با گذشته است؟

بن علی راری تونس‌ها یادآور سیاه‌ترین بخش تاریخ کشورشان است. آنان دیگر نمی‌خواهند با این نام کاری داشته باشند. در عین حال مکان‌های مسجدی خود دار مثل کالج‌ها و زندان‌ها که یادآور این برهه از تاریخ تونس است و به همین دلیل آن دوران به فراموشی سپرده نمی‌شود.

■ شما تحت چه شرایطی مجبور به ترک تونس شدید؟

بعد از انتخابات سال ۱۹۸۹ به خارج سفر کردم. در آن زمان بن علی خود را برنده انتخابات اعلام کرده بود اما برنده واقعی حزب نهضت بود. در آن زمان دفتونامه‌ای از اتحادیه دانشجویان در کلن داشتم و آنها من را برای شرکت در یک کنفرانس به آلمان دعوت کرده بودند. درواقع باید سه روز خارج از تونس می‌ماندم اما این سفر به تبعیدی ۲۳ ساله بدل شد.

■ و به همین دلیل به لندن رفتید؟

بریتانیا و سوئیس تنها کشورهایی بودند که من را می‌پذیرفتند. بن علی کشورهای اروپایی را متقاعد کرده بود که به من ویزا ندهند. در سال ۱۹۹۲ هم یک‌بار دیگر به آلمان سفر در یک گروه‌های فرهنگی که دیگر تونس‌های تبعیدی ترتیب داده بودند شرکت کردم. پلیس آلمان با بن علی همکاری داشت و اگرچه دستگیر شدم اما توانستم فرار کنم. نام من به مدت یک دهه در فهرست افراد تحت تعقیب اینترپل قرار داشت. این تجربه به من آموخت که نباید با پنهان‌گنان سیاسی به مانند جنایتکاران رفتار کرد و آنها را به دیکتاتورها تحویل داد.

■ وقتی پس از سال‌ها به میهن‌تان بازگشتید چه احساسی داشتید؟

دلم می‌خواهد از این موقعیت استفاده کنم و از اروپایی‌ها برای پذیرفتن حداقل دو هزار تبعیدی تونس‌ی تشکر کنم. تقریباً بسیاری از اعضای حزب نهضت از ترس رژیم بن‌علی به خارج از کشور گریختند. برخی از آنان مجوز اقامت دائم و عدای حتی به تابعیت آن کشورها درآمنند. بسیاری از ما در اروپا درس خواندیم و کار پیدا کردیم. به همین علت به زبان‌های مختلفی حرف می‌زیم.

■ همکاری با دولت‌های غربی در آینده چگونه خواهد بود؟
اروپا تا آغاز سال ۲۰۱۱ همکاری‌های تنگاتنگی با دیکتاتورهای جهان عرب داشت.

بن علی به هیچ عنوان موفق نشد کشورهای اروپایی را متقاعد کند که حزب نهضت یک باشگاه تروریستی است. بسیاری از اعضای نهضت در اروپا در تبعید زندگی می‌کردند ما امید داریم که دولت‌های دموکراتیک با رژیم‌های دیکتاتوری همکاری نکنند. تونس کشوری متکثر و متنوع است که بر اساس موقعیت جغرافیایی‌اش همیشه درهای خود را برای اروپا باز نگه خواهد داشت. همین‌طور برای مغرب و سراسر آفریقا.

■ آیا اروپا در بازسازی تونس کمک می‌کند؟

ما در برنامه انتخاباتی‌مان بر همکاری با اتحادیه اروپا تأکید کرده و اظهار امیدواری کرده بودیم که این همکاری‌ها همچنان عمیق‌تر شود.

■ در ایام مدیترانه شمال آفریقا و اروپا را به یکدیگر پیوند

می‌دهد. آیا شما از دولت‌های اروپایی خواسته‌اید که مرزهای

خود را به‌روزی پناهجویان ببندد؟

توقف مهاجرت‌های غیرقانونی یکی از منافع مشترک اروپا و تونس به شمار می‌آید. سرعت بخشیدن به دموکراتیزاسیون نیز در زمره همین منافع مشترک است. روزی روزگاری می‌بشد شاهد مهاجرت از اروپا به شمال آفریقا خواهیم بود (بن علی خدایا)
تونس به شمار می‌آید. سرعت بخشیدن به دموکراتیزاسیون نیز در زمره همین منافع مشترک است. روزی روزگاری می‌بشد شاهد مهاجرت از اروپا به شمال آفریقا خواهیم بود (بن علی خدایا)
تونس به شمار می‌آید. سرعت بخشیدن به دموکراتیزاسیون نیز در زمره همین منافع مشترک است. روزی روزگاری می‌بشد شاهد مهاجرت از اروپا به شمال آفریقا خواهیم بود (بن علی خدایا)
تونس به شمار می‌آید. سرعت بخشیدن به دموکراتیزاسیون نیز در زمره همین منافع مشترک است. روزی روزگاری می‌بشد شاهد مهاجرت از اروپا به شمال آفریقا خواهیم بود (بن علی خدایا)

■ پیش از مصاحبه در حال دعا بودید. برای چه دعای کرده‌ید؟
خدا را شکر می‌کردم که این انقلاب را به ما ارزانی داشت.

منبع: زوددویچه

روزنه

بارون‌های حکومت جدید اسپانیا

ترجمه: علی شیخان

سورایا سائتز دی سانتاماریا

■ او کسی است که در پیروزی ماریانو راخوی به‌عنوان رهبر حزب مردمی نقش عمده‌ای ایفا کرد. حزبی جوان، زنانه و میانه‌رو. سسورایا سائتز دی سانتاماریا یکی از وفادارترین متحدان رییس دولت اتی اسپانیا خواهد بود. این وکیل زن، زمانی که راخوی او را به‌عنوان سخنگوی گروه کنگره نمایندگان در آوریل ۲۰۰۸ منصوب کرد، کمتر شناخته شده بود. او اعتماد راخوی را در سایه کابینه وزیران از سال ۲۰۰۰ جلب کرد. در آن زمان انتصاب وی به‌جای ادواردو زاپالان نماینده حزب مردمی در دولت خوزه ماریا ازنا، سروصدای زیادی به‌پا کرد.

سائتز دی سانتاماریا تیزهوش و حاضر جواب و اهل والادولید اسپانیا، در ۴۰ سالگی و در روز ۱۱ نوامبر گذشته اولین فرزندش را به‌دنیا آورد. به‌این‌ترتیب پیش از ورود به دولت آینده که احتمالاً پست حساس معاون رییس دولت را خواهد داشت، می‌تواند از شش هفته مرخصی اجباری زایمان استفاده کند.

ماریا دولورس دی کسپیدال

ماریا دولورس دی کسپیدال نخستین زنی که توسط ماریانو راخوی به سمت دبیرکل حزب مردمی رسید، از سال ۲۰۰۸ به دور از هیاهو، اما با قاطعیت کامل به‌عنوان فرد ششم‌ارده حزب شناخته می‌شود. مسیر حرکت او این امکان را فراهم می‌کند که برای راخوی که همیشه حامی‌اش بوده، یک متحد واقعی به شمار رود و ارتباطات فوق‌العاده‌اش را حفظ کند. دی کسپیدال به‌عنوان مثال، با رئیس ایالت مادرید، اسپرانتزا آگیره، که جناح راست حزب مردمی را تشکیل می‌دهد، کار کرده است. از ماه می گذشته نیز اداره ایالت کاستیل- مانش را که زادگاه خود او محسوب می‌شود، بر عهده دارد و موفق شده نتیجه آرای آن ایالت را از چنگ سوسیالیست‌ها خارج کند. این زن ۵۵ساله که به‌ندرت لبخند می‌زند، سیاست خشک و دستگیرانه‌ای را در این منطقه اعمال و به این ترتیب نفوذ خود را در داخل حزب مستحکم کرد. پیشتر هم این وکیل زن از ابتدای دهه ۹۰ میلادی در هیات وزیران مشغول فعالیت بوده است. این زن نزدیک به خاور آرنا،

رئیس حزب مردمی اندلس و وزیر وقت کار دولت اسپانیا، در جریان حملات ۱۱ مارس ۲۰۰۴ که معاون وزیر کشور بود، چندین روز را در کنار خانواده قربانیان سیری کرد.

آلبرت رویز- گالاردون

او فکرمی‌کند که بالاخره‌روزی انتقام می‌گیرد. ماریانو راخوی چهار سال پیش کاندیدشدن آلبرت رویز- گالاردون، شهردار مادرید از سال ۲۰۰۳، برای انتخابات پارلمان را رد کرد. دشمن قسم خورده‌اش، اسپرانتزا آگیره، رئیس ایالت خودمختار مادرید با این مساله مخالفت کرده بود. ماریانو راخوی هم تا مدت‌مردد بود. او نمی‌خواست میان شهردار، که جناح میانه‌رو حزب را نمایندگی می‌کرد و رئیس ایالت که حامل پرچم جناح راست بوده دست به انتخاب بزند. اما امروز روابط این دو کمی آرام شده است. رویز- گالاردون ۵۲ساله که پیش از پایتخت، اداره ایالت را بر عهده داشته (۲۰۰۳-۱۹۹۵)، از تحولات تازه در حزب مردمی بسود برد تا در صحنه سیاسی که قبلاً به فکر ترک آن بود، جلو بیاید. مطبوعات اسپانیا او را یک وزیر مهم در دولت آینده راخوی می‌دانند. به فهرست فعالیت‌های او در مادرید، باید گفتش شبکه مترو و عین حال کارهای غلامی برای ساختوساز در حومه شهر را اضافه کرد. هرچند با رفتش، بدهی هفتگی را برای شهر بچا گذاشت.

آنا ماتو

آنا ماتو سه‌گانه همکاری را که در جریان کنگره سال ۲۰۰۸ به منظور نوسازی حزب مردمی، پیرامون ماریانو راخوی را گرفته بودند، تکمیل می‌کند. این زن سیاستمدار باتجربه، ۵۲ساله و اهل مادرید، معاون دبیر کل حزب مردمی بوده و میزبان انتخاباتی ریاست دولت آینده را هدایت می‌کند. آنا ماتو، فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، کار حرفه‌ای‌اش را از سال ۱۹۸۲ در کنار پیش‌داد بیکدش سیاسی، خوزه ماریا ازنا، زمانی که اداره ایالت کاستیل- لئون را بر عهده داشت، آغاز کرد. او از آن زمان حرکت به سمت بالا را بدون آنکه دشمن‌تراشی کند، یاد گرفته و حال به یکی از چهره‌های اصلی حزب تبدیل شده که جناح سنتی را نمایندگی می‌کند. شخص مورد اعتماد ازنا و همراه خوسر آنه، زمانی که وزیر کار بود، از سال ۱۹۹۳ تا شکست حزب مردمی در سال ۲۰۰۴ نماینده مجلس بود و پس از آن به نمایندگی پارلمان اروپا رسید.

خاویر آرنا

برای رئیس حزب مردمی اندلس مبارزه انتخاباتی ملی به پایان رسیده و مبارزه انتخاباتی منطقه‌ای آغاز شده است. خاویر آرنا، مرد قدرتمند راست در منطقه‌ای که به‌طور تاریخی به حزب سوسیالیست تعلق دارد،

بسیار امیدوار است تا از زمان پایان دوران فرانکسِم و در انتخاباتی که قرار است چهارم مارس آینده در این ایالت خودمختار برگزار شود، نخستین رهبر حزب مردمی خونتا، پارلمان اندلس شود. این وکیل سابق ۵۳ساله نماد جناح میانه‌رو در حزب مردمی است که از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ وزیر کار آن را بر عهده داشت. او دوبار به‌عنوان وزیر خوزه ماریا ازنا، انجام وظیفه کرده است (از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ به‌عنوان وزیر کار و از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ به‌عنوان وزیر نهادهای عمومی). در عین حال هیچ‌گاه از زادگاهش دور نبوده و همیشه وظایف ملی را در کنار فعالیت‌های محلی ایفا کرده است. به نظر می‌رسد ماریانو راخوی برای سومین بار دبیر کلی حزب را به او پیشنهاد داد اما آرنّا احتمالاً برای حفظ ریاست فدراسیونش آن را رد خواهد کرد. پیروزی در ماه مارس آینده در واقع هژمونی تاریخی را در منطقه برای حزب مردمی تضمین خواهد کرد.

منبع: لوموند